

شیرازه

تاریخ زمین و گیاهان

شرق: کتاب «زیباترین تاریخ زمین» اثری است در سه پرده و همان‌طور که از عنوانش برمی‌آید، به تاریخ سیاره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم مربوط است. زندگی، همان چیزی است که سیاره زمین را به جهانی معجزه‌آسا تبدیل کرده است؛ اما این پرسشی بنیادین است که آیا سیاره ما منحصربه‌فرد است؟ این پرسشی است که پاسخ دقیقی به آن در خلال مباحث کتاب «زیباترین تاریخ زمین» داده شده است. در پرده اول کتاب «زیباترین تاریخ زمین» با عنوان «پیدایش یک خانه به‌دوش»، ماجرای پیدایش زمین نقل شده، نقش‌های کلیدی بر عهده خورشید و ماه است اما مرخ و ناهید هم حضور پراهمیتی دارند. البته مشتری، زحل، راه شیری و چند کهکشان دیگر هم وارد صحنه می‌شوند. نویسنده این بخش از کتاب، اخترفیزیکدانی به نام آندر برانیک است. او کاشف حلقه‌های نپتون در سال ۱۹۸۴ و همچنین قمرهای جدید زحل است. برانیک استاد دانشگاه پاریس و مدیر گروه پژوهشی گاما-گراشش است. او در طرح وویجر با ناسا همکاری کرده و عضو گروه تصاویر کاوشگر کاسینی–هویگنس است که به بررسی زحل پرداخته است. پرده دوم این کتاب با عنوان «سیاره زنده»: سیاره‌ای را به ما نشان می‌دهد که بر اثر زمین‌لرزه‌ها می‌لرزد، بر از آتشفشان است، اقیانوس‌ها را جاری و سپس مسدود می‌کند. زمین، قاره‌ها را می‌سازد، آنها را از هم منشعب می‌کند و بعد، بر اثر برخوردشان با هم کوه‌ها را پدید می‌آورد. کمک‌کم چهره‌ای را به خود می‌گیرد که ما با نادرترین دارایی‌اش می‌شناسیم یعنی آب مایع، که در سراسر زمین به وفور یافت می‌شود. نویسنده این بخش از کتاب، پل تاپوینه است. او به ما می‌گوید که زندگی چگونه در اقیانوس اولیه ظاهر شد و زمین را مطیع خود کرد. پل تاپوینه، زمین‌شناس و مدیر بخش تکنوتیک در مؤسسه فیزیک کره زمین در پاریس و متخصص برجسته جهانی در زمینه برخورد قاره‌ها است. در پرده سوم کتاب «زیباترین تاریخ زمین» با حضور انسان بر روی زمین رویه‌رو می‌شویم. نویسنده این بخش لستر براون، کارشناس کشاورزی و تحلیلگر پیشین وزارت کشاورزی آمریکا است. او با اشاره به تخریب‌های انسان در زمین معتقد است که اینک وقت واکش نشان‌دادن است. الان می‌توانیم خرابی‌ها و خسارت‌ها را محدود کنیم با یکوشیم تعادل و هماهنگی ایجاد کنیم. الان امکاناتش را داریم، اگر نکنیم به سمت نحوه زندگی بدوی یا شبه‌طبیعی برمی‌گردیم. امکانات ما نیز راه‌های سیاسی و به‌ویژه اقتصادی هستند. برخی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در کتاب «زیباترین تاریخ زمین» مطرح شده عبارتند از: چرا این سنگریزه ناچیز در بی‌کرانگی جهان با این سرنوشت شگفت‌آور مواجه شد؟ چگونه این سنگریزه به سیاره‌ای در حال تغییر تبدیل شد و در گوشه‌ای از کهکشان، زندگی را پدید آورد؟ چرا انسان‌ها، جانوران و گیاهان زندگی در مناطق لرزه‌خیز و آتش‌فشانی را بیشتر دوست می‌دارند؟ آیا روزی استرالیا بخشی از آسیا خواهد شد؟ خاک چین در آسمان آمریکا چه می‌کند؟ کتاب «زیباترین تاریخ زمین» با ترجمه مهدی ضرعامیان در نشر نو منتشر شده است. «زیباترین تاریخ گیاهان» اثر دیگری است که این کتاب نیز توسط چند نویسنده نوشته شده و اخیرا با ترجمه مهدی ضرعامیان در نشر نو به چاپ رسیده است. نویسندگان این کتاب بر اساس این واقعیت که گیاهان، میلیون‌ها سال پیش از جانوران و انسان‌ها، نخستین موجودات زنده ساکن بر کره زمین بودند، این پرسش‌ها را مطرح کرده‌اند که: نخستین ساقه‌های چمن، نخستین درخت‌ها، نخستین گل‌ها چگونه پدید آمدند؟ آیا گیاهان هم هوش و احساس دارند؟ زندگی وزاد و ولد آنها با زندگی و زاد و ولد انسان و سایر جانوران چه ارتباطی دارد؟ آنها معتقدند که همگی ما از جلبک آبی زاده شده‌ایم. همانی که باهی ردی از آن را بر کف باغ و باغچه می‌بینیم. این کتاب پژوهشی جذاب و خواندنی در دنیای گیاهان است که توسط گروهی از متخصصان برجسته نوشته شده است که عبارتند از: ژان ماری پلت، مارسل ماریور، تئودور مونود و ژاک ژیراردون. این کتاب خوانندگان را به سفری درخشان در طول تاریخ، تنوع و نقش حیاتی گیاهان در اکوسیستم‌های زمین می‌برد. نویسندگان از طریق دانش و بینش‌های تخصصی خود، داستان‌های شگفت‌انگیز گیاهان را از ریشه‌های باستانی آنها تا تأثیرات حیاتی‌شان بر تمدن‌های بشری، زنده می‌کنند. این کتاب به‌صورت یک گفت‌وگوی پربار بین نویسندگان ارائه شده است که هرکدام دانش عمیق خود را به این بحث علمی وارد می‌کنند. ژان ماری پلت، گیاه‌شناس و بوم‌شناس برجسته، به بررسی بیولوژی و بوم‌شناسی گیاهان می‌پردازد. او نشان می‌دهد چگونه گیاهان در طول میلیون‌ها سال با محیط‌های مختلف سازگار شده‌اند و نیوخ تکاملی آنها را در شکل‌گیری تنوع باورنکردنی فرم‌ها و عملکردهای گیاهی بررسی می‌کند. مارسل ماریور، متخصص علوم کشاورزی، به تأثیر اهلی‌سازی گیاهان و نقش کلیدی آنها در توسعه جوامع بشری می‌پردازد. او ریشه‌های کشاورزی، فرایند انتخاب و کشت گیاهان و رابطه مداوم بین انسان و گیاهان که تمدن‌ها را در طول تاریخ شکل داده است، بررسی می‌کند. دیدگاه او بر اهمیت گیاهان نه تنها به‌عنوان منبع غذا بلکه به‌عنوان عناصر ضروری در فرهنگ، پزشکی و صنعت تأکید دارد. تئودور مونو؛ طبیعت‌شناس مشهور، دانش وسیع خود از حیات گیاهان در محیط‌های شدید، به‌ویژه بیابان‌ها را به اشتراک می‌گذارد. او تجربیات خود از سال‌ها کشف با بازگسو و اعطاف‌پذیری گیاهانی که در سخت‌ترین شرایط زنده می‌ماند را آشکار می‌کند. مشاهدات مونو نشان‌دهنده توانایی شگفت‌انگیز گیاهان برای بقا و شکوفایی در زیستگاه‌های متنوع است. ژاک ژیراردون، باغبان حرفه‌ای، بر پرورش و مراقبت از گیاهان در باغ‌ها و محیط‌های شهری متمرکز می‌کند و ابعاد کاربردی‌تری به بحث می‌افزاید. او توصیه‌هایی درباره تکنیک‌های باغبانی و اهمیت حفظ تنوع زیستی گیاهان در دنیای شهری ما ارائه می‌دهد. بینش‌های ژیراردون بر اهمیت مستمر گیاهان در زندگی روزمره ما و نیاز به شیوه‌های پایدار برای حفاظت از این منابع ارزشمند تأکید می‌کند. در بخشی از پیش‌گفتار کتاب می‌خوانیم: «این کتاب، داستان درخت است. داستانی است که مجذوبمان می‌کند، اما گاهی هم آزارمان می‌دهد، زیرا فقط بخشی از اسرارش را آشکار کرده‌ایم. این کتاب، تاریخ درخت نسب‌شناسی ماست. ریشه‌های این درخت که ریشه‌های خود ماست، در سوپ اولیه فرو می‌رود و در همین سوپ بوده که زندگی ظاهر شده. در طول دو میلیارد سال، زندگی به‌صورت گیاهی باقی ماند. سپس زندگی جهشی ایجاد کرد.»



زیباترین تاریخ زمین
گروه نویسندگان
ترجمه مهدی ضرعامیان
نشر نو



واقع‌گرایی احمد محمود

بیش از دو دهه از مرگ احمد محمود می‌گذرد و تا امروز نقد

و بررسی‌های درخور توجهی درباره آثار او منتشر شده، با این حال همچنان نقاط نادیده زیادی در کارنامه او وجود دارد. محمود در حالی در مهرماه ۱۳۸۱ درگذشت که برخی آثارش جزء مهم‌ترین آثار ادبیات داستانی معاصر ایران به شمار می‌رود. او در اغلب داستان‌ها و رمان‌هایش تصویری از زمانه‌ای که در آن زیسته بود، ارائه داد و به‌ویژه در رمان‌هایش با معیارهای روایت رئالیستی به بازنمایی وقایع مهم تاریخ معاصر ایران پرداخت؛ وقایعی که خود او مستقیماً در متن برخی از آنها قرار داشت.

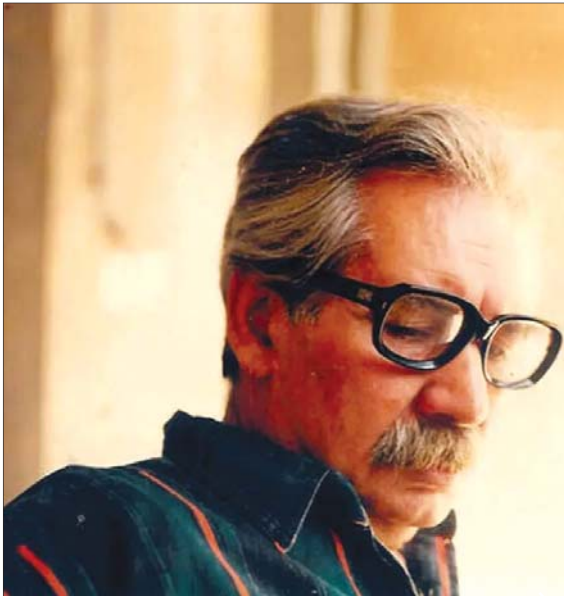
احمد محمود در چهارم دی‌ماه ۱۳۱۰ در اهواز متولد شد و پس از تحصیلات متوسطه وارد دانشکده افسری شد و در همان دوران به سازمان افسری حزب توده پیوست. او نیز یکی از دانشجویان دانشکده افسری بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ زندانی شد و به خاطر اینکه حاضر نشد توبه‌نامه امضا کند، مدتی طولانی در چند زندان رژیم پهلوی محبوس بود. او همسایه‌ها داشته باشد اما او بر حسب تصادف، بازداشتی محمود کارش را به‌عنوان داستان‌نویس با نوشتن داستان کوتاه آغاز کرد. در سال ۱۳۳۳ اولین داستان کوتاه او با عنوان «صب میشه» در مجله «امید ایران» منتشر شد و پنج سال پس از آن با هزینه شخصی اولین مجموعه داستانش با عنوان «مول» را منتشر کرد. در داستان‌های کوتاه او شخصیت‌های یکسانی تکرار شده‌اند. همچنین سه رمان مشهور او نیز از نظر موضوع و شخصیت‌ها به هم مرتبط و متصل هستند و می‌توان آنها را سه‌گانه محمود دانست: «همسایه‌ها»، «داستان یک شهر» و «زمین سوخته» به ۳۰ سال تاریخ معاصر ایران مربوط‌اند. رازی «همسایه‌ها» پسری نوجوان است، درحالی‌که در «داستان یک شهر» رازی در سال‌های آغاز جوانی است و در تبعید به سر می‌برد. در «زمین سوخته» معلم مدرسه است و در اواخر دهه سوم زندگی‌اش قرار دارد. با گذر زمان در این سه رمان تصویری از تحولات اجتماعی و سیاسی ایران هم ارائه شده است. رازی در «همسایه‌ها» به آگاهی سیاسی می‌رسد. خالد نوجوان به حزب توده می‌پیوندد و دستگیر می‌شود و با محکومیتی سه‌ساله به زندان می‌افتد.

«همسایه‌ها» اولین رمان احمد محمود است که در روایت داستانی آن تصویری جاندار از وضعیت اجتماعی، سیاسی و تاریخی دوران محمدرضا شاه جوان ارائه شده است. در رمان اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی و نیز مسائلی که شهر خوزستان با آن درگیر است، به‌روشنی روایت شده است. فقر اقتصادی مردم شهر و توصیف ساختار شهر و اختلاف طبقاتی و فرهنگی موجود در آن ازجمله ویژگی‌های رمان است.

«همسایه‌ها» در شهری در خوزستان در اوایل دهه ۳۰ و در بستر زمانه‌ای پراشوب روایت شده که به ملی‌شدن صنعت نفت «جوان خام» رمانی است از فیودور داستایفسکی (۱۱ نوامبر ۱۸۲۱ – ۹ فوریه ۱۸۸۱) با روایتی خواندنی از زندگی جوان ۱۹ساله‌ای به نام آرکادی دالگوروفی فرزند نامشروع ورسیلوف زمین‌دار. از اولین کلمات رمان صدای آرکادی را می‌شنویم که تلاش دارد زیربوم اندیشه و افکار خود را با خواننده در میان بگذارد؛ «اعضای خانواده همیشه با هم بودند، ولی البته من مستثنا بودم. من مثل آدم‌های مطرود بودم و تقریباً از همان روز تولد با غریبه‌ها زندگی کردم. این کار بدون هیچ نقشه خاصی صورت گرفت و صرفاً بر حسب تصادف این‌طور شد. وقتی من به دنیا آمدم، مادرم هنوز جوان و خوش‌بر و رو بود و به‌همین‌خاطر ورسیلوف لازمش داشت؛ حضور بچه گریان اسباب دردمن و آزار بود، به‌خصوص در مواقع سفر. بدین علت نبود که تا نوزدهسالگی‌ام، مگر در دو یا سه فرصت کوتاه، مادرم را ندیدم. این خواست مادرم نبود، بلکه از بی‌اعتنایی ورسیلوف به دیگران ناشی می‌شده». آرکادی در زمانه‌ای که رؤیای انقلاب بلشویکی در روسیه در حال تولد است، سودای ثروتمندشدن دارد و در جدال با روزگار محکم و پای‌کار همراه اسب سودایش می‌تازد و خوش‌بینانه نجوا می‌کند: «اندیشه»ام این است که روتشیلد دیگری بشوم. از خواننده می‌خواهم که آرام بماند و برافروخته نشود. تکرار می‌کنم. «اندیشه»ام این است که روتشیلد دیگری بشوم. به ثروتمندی روتشیلد بشوم، نه‌فقط ثروتمند، بلکه به ثروتمندی روتشیلد. چه ماقصدی در نظر دارم، برای چه، و چرا – همه را بعداً خواهم گفت. قبل از هر چیز فقط نشان خواهم داد که نیل من به هدف یک قطعیت ریاضی دارد. مسئله بسیار ساده است؛ رمزش دو کلمه است: پشتکار و استقامت.»

آرکادی برمعدا و ساده‌دل

آرکادی با سودای ثروت و روحی سرکش از کاری ساده و پس‌اندازی اندک آغاز می‌کند و تا قمار و عشق‌های جان‌سوز و دسیسه‌های مرموز به تکاپوی خود ادامه می‌دهد؛ «سراسر شب خواب رولت، بازی، طلا و پول‌گذاشتن دیدم. چنین می‌نمود که در رؤیاهایم پشت می‌قمار مشغول حساب‌کردن هستم، حساب پول‌گذاشتن، محاسبه شانسی‌ها و این رؤیا در تمام مدت شب همچون کابوسی گرفتارم کرده بود. راستش را بخواهید، تمام



محمود در آثار دیگرش و ازجمله در داستان کوتاه «شهر کوچک ما» که در سال ۱۳۳۹ نوشته شده و در سال ۱۳۵۳ منتشر شده، به روایت تحولات حاصل از توسعه صنعت نفت در شهرهای جنوبی توجه کرده است. او در این داستان یک فضای اجتماعی دوقطبی را ترسیم کرده که در یک سوی آن آدم‌های بومی قرار دارند که در شهر کوچکی در حاشیه اروندرود ساکن هستند و قطب دیگریش توسعه صنعتی است که به شهر آنها تحمیل شده است. شهری کوچک با کالبدی پراکنده که محله‌ها و خانه‌هایش بین نخلستان‌ها ظاهر شده‌اند. از توصیف‌های داستان چنین برمی‌آید که شهر در نتیجه تحولات اقتصادی حاشیه خلیج فارس سر برآورده یا بافت حاشیه شهری است که به شکل غیر برنامه‌ریزی‌شده شکل گرفته است. آدم‌های شهر کارگران روزمزد هستند یا به شغل‌های کاذب مشغول‌اند. قطب دیگر شهر صنعت نفت و متعلقاتش، دلک‌ها و بولدوزر و… است. سایه دکل نفتی همواره بر خانه‌های بومیان شهر وجود دارد. بولدوزر، هستند یا به شغل‌های کاذب مشغول‌اند. قطب دیگر شهر صنعت نفت و متعلقاتش، دلک‌ها و بولدوزر و… است. سایه دکل نفتی همواره بر خانه‌های بومیان شهر وجود دارد. بولدوزر، نماد تخریب خانه‌های توسری‌خورده بومی و فضای سنتی شهر است که وظیفه هموارکردن زمین برای گسترش صنعت جدید را برعهده دارد. برای مردم بومی شهر، صنعت نفت و گسترش آن چیزی است که از بیرون به شهر و محل زندگی‌شان تحمیل شده است. آنها نه نسبت به توسعه صنعت نفت و ساخت‌وسازهای راه‌افتاده در شهرشان آگاهی دارند و نه نقشی در پیشبرد آن دارند. تنها ارتباط رشد صنعت برای آنها، ویرانی خانه‌ها و محله‌ها و شهرشان است.

از «همسایه‌ها» تا «مدار صفر درجه»، سیری تکاملی در آثار محمود دیده می‌شود و اگر در «همسایه‌ها» به قول خودش بیشتر براساس گزینه به نوشتن پرداخته، در «مدار صفر درجه» روایت براساس شناخت داستان پیش رفته است. او در آثار متخلفش توانسته امکانات روایت رئالیستی را گسترش دهد و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی روایت‌هایش قرار دهد. محمود در گفت‌وگوی بلندش با لیلی گلستان در «حکایت حال» می‌گوید که رئالیسم ظرفیت‌های متعددی دارد و خودش در آثارش گوشیده که از این ظرفیت‌های متنوع استفاده کند. او در جایی از این گفت‌وگو می‌گوید: «نمی‌دانم رئالیسم صرف یعنی چه؟ رئالیسم ظرفیت‌های متعددی دارد. می‌شود رئالیست خشک و جزمی بود، یعنی عکس‌برداری کرد، فرفرنگ‌ریازی فیزیکی کرد. ادبیات داستانی را تا سطح اجتماع‌نگاری، تا سطح گزارش و مقاله ساقط کرد، که به نظر من این نوع ادبیات داستانی همان‌قدر پذیرفتنی نیست که پرداختن مطلق به صورت و ساختار و نفی زندگی! رئالیسم ظرفیت‌های گوناگونی دارد که باید تجربه کرد. من معتقد به این تجربه هستم و نمودش در کارهایم هم دیده می‌شود. بله، من واقع‌گرا هستم، اما نه به آن معنی که گفتم.»

مروری بررمان «جوان خام» داستایفسکی

از سودای ثروت تاخودشناسی

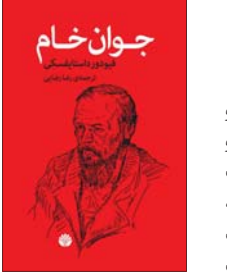
فیودور داستایفسکی

جوادگل‌زبان

روز قبل، به رغم آن همه تأثرات تکان‌دهنده، دانما به پولی که در قمارخانه زرسچیکوف برده بودم، فکر می‌کردم. این فکر را مهار می‌کردم اما هیچانی را که برمی‌انگیخت، نمی‌توانستم مهار کنم و هر بار با یادآوری‌اش سرتاپا به لرزش می‌افتادم. این بی‌روزی مرا تهبزه کرده بود، آیا من یک قمارباز بودم، یا دست‌کم – به عبارت دقیق‌تر – خصوصیات یک قمارباز را داشتم؟ حتی حالا. موقع نوشتن آن، هنوز گاهی دوست دارم به بازی قمار ببینم! گاه ساعت‌ها مجذوب و شیفته می‌نشینم و در سکوت به محاسبه قمار و بازی می‌پردازم و در خیال پول می‌گذارم، و وقتی شماره من می‌آیستد برده‌ایم را برمی‌دارم، بله، من تمام «خصوصیات» را دارم و طبیعت من طبیعت آرامی نیست.»

حس طنز داستایفسکی

ایین اثر که در سال ۱۸۷۵ منتشر شد، در مجموعه آثار داستایفسکی جایگاهی والا دارد و گویای حس طنز قوی این غول رمان‌نویسی در زمانه پراضطراب قرن نوزدهم است. داستایفسکی با نمایش دقیق احساسات و افکار جوان خام در حقیقت جامعه خام روسیه آن روز را توصیف می‌کند. در نامه‌ای خطاب به آرکادی در پایان رمان این جملات درخشان برای شناخت اثر به کمک ما می‌آید: «اما شرح حال تو شاید مایه خامی باشد برای



مجموع کابوسی گرفتارم کرده بود. راستش را بخواهید، تمام

عطف

راهنمای عملی نمایش‌نامه‌نویسی

شرق: «نوشتن برای صحنه» با عنوان فرعی راهنمای عملی نمایش‌نامه‌نویسی، کتابی است برای فهم اصول پایه و فنون صنعت نوشتن که نویسندگان در سطوح مختلف می‌توانند از آن استفاده کنند. نویسنده این کتاب، لیرووی کلارک، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان و معلم تئاتر است و کتاب «نوشتن برای صحنه» را می‌توان مهم‌ترین اثر او دانست. کتاب او در مقایسه با دیگر آثار مشابه، متمایز و شاید منحصربه‌فرد است؛ از آن رو که برای نویسندگان مبتدی، متوسط و باتجربه‌تر تمرین‌هایی اختصاصی در سه سطح دارد که در فرایند نوشتن نمایش‌نامه آنها را هدایت می‌کند. خود کلارک در مقدمه کتاب با اشاره به ایسن ویژگی به گروه‌های مختلفی که می‌توانند مخاطب این اثر باشند، اشاره کرده: خواننده شاید هم‌اکنون نمایش‌نامه‌ای در ذهن داشته باشد و از تمرین‌های مختلف کتاب به‌عنوان راهنماهایی برای نوشتن صحنه‌های متعدد استفاده کند یا خواننده‌ای دیگر شاید مشخصاً نمایش‌نامه‌ای در ذهن نداشته باشد اما تمرین‌های کتاب برای چندین کاراکتر متفاوت در موقعیت‌هایی گوناگون به کارش بیایند. آن‌طور که کلارک توضیح داده، خواننده‌ای که از این راهنمای عملی استفاده می‌کند، پس از انجام شن تمرین باید شروع کند به تمرکز روی باقی تمرین‌هایی که مربوط به کاراکترهای مشخص هستند و نمایش‌نامه‌ای کامل را پسرورش دهد. در کتاب «نوشتن برای صحنه» بیش از صد تمرین وجود دارد که به سه سطح تقسیم شده‌اند: سطحی برای نویسنده مبتدی، سطح متوسط و سطح پیشرفته برای کسانی که در نوشتن باتجربه‌ترند. کلارک می‌گوید ایسن کتاب سعی ندارد رویکردی تجویزی داشته باشد، بلکه از اطلاعات و فنی‌های بهره می‌برد که او در طول بیش از سه دهه فعالیتش به دست آورده است. فعالیت به‌عنوان استاد دانشگاه، کارگردان بیش از ۹۰ اجرای صحنه‌ای و نوشتن بیش از ۱۲ متن نمایشی، یکی از ویژگی‌های درخور توجه کتاب «نوشتن برای صحنه» مثال‌های متعددی از نمایش‌نامه‌ها است تا نکات مهم را روشن کنند. دیگر ویژگی مهم این اثر، پرداختن به ارتباط نوشتن با واقعیت‌های عملی تئاتر است. کلارک می‌گوید از آنجا که خودش تجربه مواجهه با مشکلات و سؤالات نویسندگان را داشته، سعی کرده توصیه‌ها و اطلاعاتی عملی در این کتاب بیآورد که حیطه‌های مختلفی را در بر گیرد. در توضیحات خود کتاب نیز به این نکته اشاره شده که در نوشتن نمایش‌نامه جادویی من کار نیست و نویسندگی بیش از هر چیز مهارتی است که باید آموخت. از اینجاست که تازه ماجرا آغاز می‌شود؛ برای نوشتن هیچ راهی جز تمرین نوشتن وجود ندارد. لیروی کلارک در «نوشتن برای صحنه» که در بسیاری از دوره‌های نمایش‌نامه‌نویسی آمریکا تدریس می‌شود، تعارفات مرسوم را کنار می‌گذارد و با جدیت و درعین‌حال دلسوزی یک استاد واقعی از واقعیت‌های دنیای تئاتر می‌گوید؛ از چند و چون پیشنهادها و تمرین‌هایی ارائه می‌دهد که هم به کار نویسندگان تازه‌کار می‌آید، هم کسانی که در نیمه راه نویسندگی‌اند و هم آنها که مدت‌ها است به شکل حرفه‌ای می‌نویسند. بخش‌های مختلف این کتاب از راهنمایی‌های آن برای خلق طرح داستانی، چارچوب نظری، خلق کاراکتر، دیالوگ‌نویسی و ساخت مونولوگ گرفته تا مثال‌های متعددش از آثار بزرگ تاریخ تئاتر همه به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا به علاقه‌مندان به نوشتن هم توصیه‌های کاربردی و روشنگرانه‌ای دارند.

نوشتن برای صحنه
لیرووی کلارک
ترجمه قاسم نجاری
نشر بیدگل

دانش برای صحنه

^[1] «نوشتن برای صحنه» با عنوان فرعی راهنمای عملی نمایش‌نامه‌نویسی، کتابی است برای فهم اصول پایه و فنون صنعت نوشتن که نویسندگان در سطوح مختلف می‌توانند از آن استفاده کنند

^[2] «نوشتن برای صحنه» با عنوان فرعی راهنمای عملی نمایش‌نامه‌نویسی، کتابی است برای فهم اصول پایه و فنون صنعت نوشتن که نویسندگان در سطوح مختلف می‌توانند از آن استفاده کنند